

ماجرای دوده سیاه بر سر ماهدشت کرج چه بود؟

رئیس‌رب رجیمی: گزارش‌های مریدی نشان می‌دهد در چند روز گذشته شهر ماهدشت کرج با آتش و دود غلیظ ناشی از کربانده سوزی در هم‌پایه بوده است. یکشنبه شب ۲۷ مردادماه، یگان شهروندان ساکن ماهدشت کرج از وقوع آتش‌سوزی در حاشیه شهر ماهدشت خبر داد. عکس و فیلم‌های ارسالی تأییدکننده آتشی با شعله‌های بلند و دود غلیظ پخش شده در شهر بود. خبرنگاران «شرق» این موضوع را بلافاصله برای اطلاع‌رسانی در حفاظت محیط زیست استان البرز پیگیری کرد. با دستور قربانعلی محمدپور، مدیرکل حفاظت محیط زیست البرز، فرمانده یگان محیط زیست این استان و معاون محیط زیست کرج به محدد وقوع آتش‌سوزی اعزام و اطفا‌ی آتش با پیگیری اکیس‌ساز و اعلام حفاظت محیط زیست استان البرز در گفت‌وگو با «شرق» با اشاره به اینکه شعله‌های آتش و دود غلیظ ناشی از سوختن پسماندهای هیدروکربنی مثل لجن‌های نفتی است که خیلی سریع شعله‌ور شده و در بازه زمانی کوتاه می‌سوزد، می‌گوید: یکشنبه شب ۲۷ مرداد از دریافت گزارش بلافاصله نیروهای محیط زیست به ماهدشت اعزام شدند. مشاهدات میدانی و پایش‌های دیگران است که پسماندسوزی در پیرامون شهرک صنعتی خوارزمی رخ داده و موجب وقوع آتش‌سوزی در شهر ماهدشت در خیابان سرداران، انتهای خیابان چهارم شده بود.

ضایعات سوزی دلیل حریق

محمّدپور با تأکید بر اینکه دلیل آتش‌سوزی، سوزاندن ضایعات و زباله است، گفت: «آتش‌سوزی ناشناس بوده است. توضیح می‌دهد: «به نظر می‌رسد آتش یک بار خاموش شده اما به دلیل شعله‌ور شدن آتش زیر خاکستر، مجدداً زبانه کشیده و باعث ایجاد آلودگی هوای منطقه شده است. در راستای کنترل آلودگی با مأمورین نشان صنعتی دوگامی با شرکت تلفن برقرار کرده و شهر از ساعتی نسبت به اطفای حریق اقدام شد.» بنا بر گزارش شهروندان ماهدشت، پسماندسوزی در محدوده شهرک صنعتی خوارزم حداقل طی سه روز به‌دری ادامه داشته و نهایتاً با مداخله نیروهای محیط زیست و خاموشی شده است.

مدیر کل حفاظت محیط زیست با بیان اینکه بعد از وقوع این حریق با شهردار هادشت مکاتبه شده است و می‌گوید: «ما توجه به اراضی بایر پیرامون شهرک صنعتی خوارزمی و راه‌های دسترسی متعدد ضروری است برای جلوگیری از اسپاندسوزی در محدوده و حریق شهری و برخورد قانونی با متخلفان براساس ماده ۱۱۳نیم‌اجرائی قانون مدیریت پسماند و ماده ۲۰ قانون هوای پاک صورت گیرد. به منظور جلوگیری از هرگونه اسپاندسوزی و برخورد لازم با شهرداری متخلف، مکاتبات لازم با شهرداری هادشت انجام شده تا اصولاً نتیجه پیگیری‌های لازم انجام خواهد شد».

قانون درباره پسماندسوزی چه می‌گوید؟

براساس ماده ۲۰ آیین‌نامه اجرایی قانون مدیریت پسماند، سوزاندن پسماند در محیط آزاد یا در پسماندسوزهای غیراستاندارد و مغایر با ضوابط و شیوه‌نامه‌های مربوطه ممنوع است. همچنین طبق ماده ۲۰ قانون هوای پاک مصوب سال ۱۳۹۶ در مجلس شورای اسلامی، انباشت پسماند‌های بیمارستانی و صنعتی در معابر عمومی و فضای باز یا سوزاندن آنها و انباشتن معابر عمومی و فضای باز خارج از مکان‌های تعیین‌شده توسط شهرداری‌ها و دیهاری‌ها یا سوزاندن آنها و همچنین سوزاندن بقایای گیاهی اراضی زراعی پس از برداشت محصول ممنوع بوده و متخلف حسب مورد به جزای نقدی درجه حسب قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شود.

ماهدشت یکی از شهرهای تابع کرج است. البرز البته که ۸۰ کیلومتری جنوب غربی شهر کرج واقع شده است که بنا بر گزارش شهروندان، از بوی بد پسماند و سیاه و همچنین پخش شدن نخاله‌های ساختمانی در نقاط مختلف شهر رنج می‌برد.

بررسی‌های حقوقی، اجتماعی و آماری «شرق» از اجرای مجازات سخت مقابل مردم

نمایش مجازات‌های سخت در «ملاعام»

بررسی‌های «شرق» با استناد به آمارهای رسمی نشان می‌دهد بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲، دست‌کم حدود ۸۸۰۰۰۰ نفر از استان‌های فارس، خراسان و کرمانشاه بیشترین سهم را دارند



از گام‌های آنند در شبکه‌های اجتماعی گرفته تا رفتارهای منفعل-تهاجمی در محیط کار و زندگی روزمره. هنگامی که قانون به‌جای ایجاد حس نظم، عدالت و امنیت، به ابزار محدودیت تبدیل می‌شود، پذیرش خود را در ذهن مردم از دست می‌دهد. او ادامه می‌دهد: «حلالای قانونی و راه‌های ممانعت از رفتارهای غیر اخلاقی، باعث می‌شود مردم احساس کنند از مسیر قانونی نمی‌توانند عدالت برسند. همین تجربه، خشم و واکنش‌های تند را تشدید می‌کند. در مقابل، اجرای دقیق و منصفانه قانون با در نظر گرفتن معیارهای عرفی و اجتماعی می‌تواند خشم جمعی را مهار و از بروز واکنش‌های پرخطر جلوگیری کند. در غیر این صورت، جامعه در معرض شکل‌گیری رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی و خشونت‌های جدید قرار خواهد گرفت. بنابراین، انتشار گسترده اخبار خشونت‌آمیز و اجرای مجازات‌های شدید، تنها موضوعی حقوقی نیست، بلکه پدیده‌ای روان‌شناختی و اجتماعی است. مدیریت خشم جمعی و روحیانه‌ها و هماهنگی، کلید کاهش آن است» (۱۳۹۰، ص ۱۰۰).

روانی اجتماعی ناشی از روی دادهاست. طبق داده‌های موجود، اعدام‌های علنی از سطح بالا در سال ۱۳۹۰ شروع و با روندی نزولی تا حدود صفر در سال‌های ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ کاهش یافته، سپس از ۱۴۰۱ به‌طور محسوس افزایش پیدا کرده است. با این حال، جرائم خشن در همان دوره تقریباً ثابت یا اندکی افزایشی بوده است. بنابراین جلالی‌نوشن در بخش دیگر صحبت‌هایش موضوع را از نظر روان‌شناسی بررسی می‌کند: «حضور تماشاگران و بار هیجانی اعدام علنی ممکن است موقتا احساس ترس یا کنترل اجتماعی ایجاد کند، اما در بلندمدت منجر به کاهش پایدار خشونت نمی‌شود؛ زیرا با می‌تواند احساس هیجانی و فرهنگی جامعه برخاسته از خشونت‌های مجازات در نظر عمومی می‌تواند حساسیت جمعی را نسبت به رنج انسانی کاهش دهد و به شکل‌گیری خشونت عاظمی پنهان در جامعه بینجامد؛ جایی که مردم بدون قصد، از دیدن رنج دیگران احساس بی‌تفاوتی یا حتی رضایت می‌کنند. هنگامی که خشونت در مقام نمایش به کار گرفته شود، نوعی الگوی تقلید اجتماعی پدید می‌آید. خشونت به‌جای آنکه سرکوب شود، به درون روابط روزمره، خانواده و محیط کار سرریز می‌کند». جلالی در پایان صحبت‌های خود، با توجه به آمار این اعدام‌ها به یک دهه، تأکید می‌کند که نمایش خشونت لزوماً موجب کاهش خشونت نمی‌شود: «سیاست‌های کیفری که به‌جای بازپروزی، بر هیجان و ترس اجتماعی تکیه کند، ممکن است در کوتاه‌مدت اثر نمادین داشته باشد اما در بلندمدت به باز تولید جرم خشونت منجر شوند».

مجازات در چارچوب «هزینه و فایده» اثربخش است

قوانین می‌توانند منجر به تربیت جامعه‌شود. اجرای اصولی آن حرام می‌تواند ششونته‌ها را اجتماعتی را کنترل کند. علی‌نحیی‌توانا، حقوق‌دان، جرم‌شناس و رئیس‌اسبق کانون وکلای دادگستری مرکز، در گفت‌وگو با «شرق» به مسئله تربیت اجتماعی با استفاده از قوانین پرداخته و توضیح می‌دهد: «جرم یک رفتار فکری است و معمولاً ارتکاب آن جز تحت تأثیر عوامل فردی و اجتماعی رخ نمی‌دهد. اگر شخصی زندگی مناسب و شرایط متعادل داشته باشد، رفتارش نیز متعارف خواهد بود. اما اگر چالش‌های روحی، روانی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حتی دینی بر فرد، خانواده و جامعه‌ها حاکم باشد، انسان خواه‌ناخواه تحت تأثیر قرار می‌گیرد. رفتار ما واکنشی است نسبت به زندگی گذشته‌مان. جامعه‌های کم‌عزت، فرهنگ کم‌مدریت آن منطق با معیارهای منطقی و مناسب نباشد، دچار اختلال می‌شود و این شرایط نامناسب در رفتار آدم‌ها، از کودکان دبستانی تا سالخوردگان اثر می‌گذارد. تبعات منفی آن نیز کاملاً مشهود است. مقایسه کشورهای کم وضعیتی اقتصادی و مدیریت مناسبی دارند با کشورهای کم مدیریت در خدمت مردم نیست و از امکانات جامعه برای خودد و اطرافینشان استفاده می‌کند، نشان می‌دهد در کشورهای کم تعادل اقتصادی و مدیریتی برقرار است. میزان جرم پایین‌تر است. اما در جوامعی کم فقر، فساد و تبعیض وجود دارد، جرم رو به افزایش است. این میان، مجازات‌ها علم چندین مؤثری نیست. مجازات واکنشی است نسبت به کشی که ریشه در گذشته دارد. اتفاقاً در بسیاری موارد، واکنش‌های سخت‌گیرانه موجب مزمن شدن بزهکاری می‌شود. این جرم‌شناس به اثر مجازات‌ها اشاره می‌کند و می‌گوید: «در کشور ما تعداد زیادی از قاچاقچیان مواد مخدر را به سخت‌ترین مجازات‌ها محکوم کرده‌ایم، بسیاری را تحت عنوان ارادل و اوپاش گردانده‌ایم. بسیاری از جنایات با اعدام پاسخ داده شده و سارقان به حبس‌های طولانی محکوم شده‌اند؛ اما جرم کاهش نیافته، بلکه افزایش پیاپی کرده است». زندان‌ها هر چند است که مجبور شدیم هزاران نفر را در تحت عناوین مختلف آزاد کنیم». او ادامه می‌دهد: «ما هیچ‌گاه اقدام علمی آسیب‌شناسی، مطالعه میدانی یا انگیزه‌شناسی برای بررسی چرایی وجود بزهکاری در کشور انجام نداده‌ایم. هر کس در هر جایگاهی که بوده، صرفاً با شعار «بر خودرم می‌کنیم» نسبت به رفتار ناهنجار واکنش نشان داده است. باید که به‌ترتیب از برای جلب اعتماد مردم به قانون، رفع نیازهای اجتماعی، اقتصادی، اجتماعی و روانی آنهاست. وقتی مردم ناامید، آسوده و گرفتار تورم نشده و سفره‌شان کوچک، رفتارشان دچار التهاب می‌شود. آستانه مقاومت پایین می‌آید، تحریک‌پذیری می‌شوند و در برابر کوچک‌ترین عامل خارجی، واکنش‌ها تند نشان می‌دهند یا ناگزیر قانون‌گریز می‌شوند؛ چه در رانندگی و فروشندگی، چه در کارمندی یا حتی از راه‌های مجرمانه. بنابراین، هیچ کشوری با اعدام و مجازات‌های بدنی نتوانسته است بزهکاری را مهار کند. مهار بزهکاری با پیشگیری، احترام به مردم، تأمین حقوق شهروندان و رعایت مردم‌سالاری ممکن است. کشور ما به‌شدت است؛ دولت‌ها می‌آیند و می‌روند، اما مردم ماندنی‌اند و باید برای آنان احترام قائل شد. با زور نمی‌توان نظم را برقرار کرد».

با این حال سؤال این است: آیا کشورهایی که در آنها چنین مجازات‌های علنی وجود دارد، کاهش جرم موفق بوده‌اند یا نه؟ تحقیق توانا توضیح می‌دهد: «مجازات می‌تواند مؤثر باشد، به شرط آنکه در چارچوب قاعده «هزینه و فایده» عمل کند. اگر نیازهای فرد در جامعه برطرف نشود - کار، مسکن، ازدواج، تأمین اجتماعی، مهارت‌آموزی - آن کار برای حفظ موقعیت خود از قانون مجازات می‌ترسد. اما اگر فقر، فساد و تبعیض حاکم باشد و گروهی از آزاردگان فاسد سرمایه مردم را صرف زندگی‌های اشرافی و تجملی کنند، مردم وقتی این بی‌عدالتی را می‌بینند، واکنش درونی نشان می‌دهند و دیگر از واکنش‌های اجتماعی ترسی ندارند. در کشورهای حوزه خلیج فارس مانند عربستان یا کویت شاید مومکراسی وجود داشته باشد، اما اقتضای به‌گونه‌ای است که نیازهای مردم تأمین نمی‌شود. سرانه درآمد بالاست و همین باعث شده جرم در سطح حداقلی باقی بماند و مجازات‌ها اثر بازدارنده داشته باشند. برای مثال، در جزیره کیش هم این الگو دیده می‌شود؛ چون افراد می‌دانند اگر تخلف کنند، دیگر در کیش جایی برای کار نخواهند داشت. بنابراین، بله، مجازات می‌تواند مؤثر باشد، اما در شرایطی که عدالت اجتماعی برقرار باشد. من به‌خصوص با مجازات اعدام موافق نیستم؛ چون اعدام جبران بدی یا بدی است. اگر بخواهم منصف باشم، قبل از اعدام فرد از او می‌پرسم: چرا مرتکب جرم شدی؟ اگر ثابت شود که جرم او ناشی از فقر و محرومیت بوده، من مجازاتش نمی‌کنم، بلکه مدد و ساختاری که نتوانسته به‌نیازی او را برطرف کند باید مجازات کرد، یعنی آن

زنان و مردان از ساعاتی قبل برای تماشا به صحنه آمده‌اند. حاضران در تلاش‌اند نزدیک‌ترین مکان دسترسی را به صحنه پیدا کنند. در میانه‌شان، نوجوان و کودک هم دیده می‌شود که دست در دست بر سر تخته‌ها، آهنگ می‌خوانند. برقیتمیل با فانگی که به آن کره خورده، برای اجرای حکم آماده می‌شود. این صحنه‌ای آشنا برای اعدام‌های علی یا در ملاعامی است که سالی چند بار در کشور اجرا می‌شود؛ اما جریحی که هرچند خطی این سال‌ها در مسیر نزولی قرار گرفته، در مناطق کشور شمالی و جنوبی، مثل خراسان، منتشر شد؛ آنها خواستار اعدام قاتل دخترشان در ملاعام بودند. آنها توسط راننده تاکسی کشته شد؛ جنازه او حدود ۱۰ روز به نایاب می‌گشت. این منابع خبری رسمی و منتشرشده در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۲، ۸۸ اعدام علی در ایران اجرا شده است. فقط در دهه ۱۳۹۰ تا بیش از ۳۰ مورد در ۲۲ سال نخست اتفاق افتاد. کشته شدن علی به بهانه‌ی کره خوردن و به صفر بار اخبار اعدام‌های علی در رسانه‌ها رویکرده می‌شود.



نسترن فرخه

رفته، اما همچنان خبرهایی از اجرای آن در مناطق مختلف کشور رسانه‌ای می‌شود. مثل خبری اخیراً از خانواده «اله حسین‌نژاد» منتشر شد: آنها خواستار اعدام قاتل دخترشان در ملاعام دادند. اله ۵۵ ساله، چهارم خردادماه توسط راننده تاکسی کشته شد؛ جثه‌اش را حدود ۱۰ روز بعد پیدا شد. طبق بررسی‌های «شرق» از منابع خبری رسمی و منتشرشده در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰، یعنی در ۱۳ سال گذشته، دستکم حدود ۸۸ اعدام علنی در ایران کرده شده است. فقط اساس این ارقام، اوج اعدام‌ها در دهه ۱۳۹۰ به بیش از ۳۰ مورد در سه سال نخست اتفاق افتاده و پس از آن روند کاشمی به خود گرفته است؛ به‌طوری‌که در سال ۱۴۰۰ آمران آن به صفر رسید. با این حال از سال ۱۴۰۱ بار دیگر با اعدام‌های علنی در رسانه‌ها روبه‌رو می‌شویم.

ارس، خراسان و کرمانشاه؛ در رأس اعدام‌های درملاعام

براساس این داده‌ها، استان‌های فارس، خراسان و کرمانشاه بیشترین سهم را در اجرای احکام می‌زنند. طبق آمارهای در اختیار آمده، اعدام‌های علنی عمدتاً در مراکز استانی با جیتز یا با مناطقی با جمعیت روستایی و روستاهای اطراف انجام شده است. این حال، در بررسی اخبار این ۱۲ سال، به نظر می‌رسد که اعدام‌های علنی تأثیر در کاهش جرائم نداشته است. با اینکه انتشار اخبار مربوط به اعدام‌ها در سال گذشته و در ماه‌های ابتدایی امسال کاهش داشت، اما مردامه‌ها و نفر به جرم قتل در شهرستان لارستان و استان گلستان، به شکل علنی اعدام شدند؛ صحنه‌ای که با تشویق و تیز کردن تماشاچی‌ها به پایان رسید. کارشناسان حوزه علوم اجتماعی و روان‌شناسی معتقدند این اتفاق، عادی‌سازی خشونت است. آنها با ارائه دلایل علنی بودن مجازات، نه تنها به بازدارندگی و آرامش اجتماعی کمک نمی‌کند، بلکه نتیجه‌ای کاملاً عکس دارد. بسیاری از کارشناسان و حقوق‌آوران، برخلاف اعدام‌های علنی، یکی از آنها عبدالصمد شمس‌های، بی‌حیوان و وکیل برخی پرونده‌های «هم سال‌های اخیر است. او در گفت‌وگو با «شرق» به این موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید: «براساس اصول قضائی و قوانین جزایی ایران، اصل بر غیرعلنی بودن اجرای اعدام‌هاست. ماده ۴ قانون مجازات اسلامی درباره نحوه اجرای اعدام، قصاص، جرم و سایر مجازات‌ها، فقط در شرایط خاص، اجازه اجرای علنی را می‌دهد؛ یعنی زمانی که دادستان مجری حکم پیشنهاد کند و دادستان کل کشور موافقت کند. فقط در این صورت است که اعدام می‌تواند به صورت علنی اجرا شود. فلسفه مجازات‌ها نیز همواره منظر بوده است؛ هدف مجازات، علاوه بر بازدارندگی، باید به بهبود وضعیت اجتماعی محکوم نیز کمک کند».

ووق دادن رفتار مسالمت آمیز به سمت خشونت

در گذشته، اجرای اعدام در ملاعام در جوامع کوچک و محدود مرسوم بود؛ جایی که تعداد افراد محدودی شاهد مجازات بودند و اخبار گسترده‌ای منتشر نمی‌شد. هدف از این اجراها، ایجاد بازدارندگی، ایجاد جامعه‌ای حامی پلیس و امانت در برابر ارتزاق و بر شرایط آرزویی و دسترسی‌های جهانی به اطلاعات، ایجاد بده‌بایدهای علنی دیگر نه تنها از بازدارندگی نداشتند، بلکه برای قشری از جامعه به نوعی سرگرمی تبدیل شده‌اند. این حقوق‌دان باور دارد که نمونه‌هایی از گذشته نشان می‌دهد اجرای علنی اعدام می‌تواند اهدافی بسیار منفی برای جامعه داشته باشد: «چند سال پیش در کرج، یک عابد علنی برگزار شد که هزاره‌ها نفر از صبح زود برای مشاهده آن جمع شدند. اعدام علنی نه تنها برای ابرام گرفتن، بلکه شاره‌ها خشونت بود. چنین تجربه‌ای نشان می‌دهد که اعدام علنی نه تنها اثر مثبت بازدارندگی ندارد، بلکه رفتارهای مسالمت‌آمیز مردم را به سمت خشونت سوق می‌دهد و تأثیر بسیار منفی بر روح و روان کودکان و نوجوانان دارد. به همین دلیل، سیاست جزایی در ایران به مرور به سمت حذف اعدام‌های علنی حرکت کرده است. حتی بخش‌نامه‌های قضائی نیز توصیه کرده‌اند که قضاات از صدور احکامات مبتنی بر اعدام خودداری کنند. امروز، اعدام‌ها عمدتاً در زندان‌ها و با حضور محدودی از افراد اجرا می‌شوند».

مدام علنی تأثیری در کاهش خشونت ندارد

در برخی پرونده‌ها خانواده مقتول درخواست اعدام در ملاعام دارد که خرمشاهی درباره درخواست خانواده‌ها توضیح می‌دهد: «خانواده مقتول نمی‌تواند در خواست اجرای اعدام علنی بدهد. فقط داستان از حکم می‌تواند این موضوع را به دادستان کل کشور پیشنهاد دهد که موافقت او از سوی اقامت است. در صورت دل‌نوازی، می‌تواند درخواست اعدام را به دادیار کرد که جریان آن، طباب براه شد و متهمان به زمین تپان شدند. فضای بسیار ناخوشایندی بود. حتی یکی از آنها تلاش داشت با همان طباب خودش را بکشد. اجرای اعدام‌های علنی نه‌تنها در ایران، بلکه در کشورهای پیشرفته نیز منسوخ شده است. در ریاست جمهوری ایران روند به مرور به سمت غیرعلنی شدن حرکت کرده و در کشورهای مانند افغانستان یا پاکستان هنوز نمونه‌هایی محدود از اعدام علنی دیده می‌شود. تجربه تاریخی مانند سنگسار نیز نشان می‌دهد که چنین مجازات‌هایی اثر روانی بسیار منفی بر جامعه داشته‌اند و به تقویت خشونت کمک می‌دهند. آمارها نیز نشان می‌دهد که اجرای اعدام علنی هیچ تأثیری در کاهش جرائم خشن نداشته است. در سال‌های اخیر، با وجود انجام علنی اعدام در هر سال، میزان جرائم خشن مانند قتل کاهش یافته و حتی گاهی روند صعودی داشته است. این امر نشان می‌دهد که هدف قانون‌گذار مبنی بر ایجاد اثر دترانه‌زدندگی و عبرت‌گرفتن مردم، محقق نشده است. به همین دلایل، سیاست جزایی درست و منطقی باید بر مبنای شواهد و مدارا بنا شود. تشویق مردم به صلح و مدارا، بگذارند که بر نمایش خشونت در ملاعام، اجرای علنی در شرایط کنونی، با توجه به فضای افسردگی و دسترس کمی کودکان و نوجوانان به محتوای خشونت آمیز، بازدارنده نیست.

روز خشم جمعی

روان جمعی هر جامعه از بستر رخدادهای اجتماعی و نحوه بازتاب آنها در قانون و رسانه‌ها تأثیر می‌پذیرد. امیرحسین جلالی ندوشن، روان‌پزشک اجتماعی، در گفت‌وگو با «شرق» تأکید می‌کند که در ایران، مسئله مجازات هنوز بیشتر به عنوان موضوعی خصوصی تلقی می‌شود تا اجتماعی. او توضیح می‌دهد: «در کشور ما، وقتی قتل رخ می‌دهد، سرنوشته پرونده بلب بلب به تصمیم‌خوانه مفتول -قضایا- می‌بخشند. در حالی که می‌شود و جامعه نقشی مستقیم در آن ندارد. در حالی که فلسفه قضائی مدرن، مجازات یک مسئله اجتماعی است؛ هدف آن نه ارضای احساس انتقام، بلکه حفظ امنیت عمومی پاسداری از وجدان جمعی جامعه است.

زمانی که اعدام یا بخشش در چارچوب خصوصی می‌تواند به واقع مسئولیت اجتماعی نسبت به جرم برای ما می‌شود، آن نادیده گرفته می‌شود و اشکال اصلی در پدیدگیری از آن نادیده گرفته می‌شود و اشکال اصلی در محاسبه است». به گفته جلالی ندوشن، از تداوم یا توقف اعدام‌ها می‌توان به نتیجه‌ای علمی و قطعی درباره اثر بازدارندگی آنها رسید؛ زیرا عوامل بسیاری بر رفتار مجرمانه و احساس امنیت تأثیر دارند: «بخش دیگری از مسئله، خشم جمعی است که در واکنش به این رخدادها بروز می‌کند. این خشم اغلب ششم جابجا به نیابتی است؛ یعنی احساسی سرکوب‌شده که واکنش به اخبار یا رویدادهای مشابه فزونی می‌کند. وقتی مردم راهی قانونی و مشروع برای بیان نارضایتی و اعتراض دارند، این خشم به صورت‌های گور و پرانکه ظاهر می‌شود؛

گزارش

جنگ ۱۲ روزه بهانه‌ای برای زمین خواری

کمیسیون تبصره یک ماده یک قانون حفظ کاربری اراضی در هر یک از استان‌ها تشکیل می‌شود که اعضای آن از طرف وزیر جهاد کشاورزی، کسب و کار دارند و اگر داد باشد رأی به تغییر کاربری اراضی شالی و کشاورزی می‌سنگونی دارد. موضوع باید در کمیسیون تبصره یک قانون حفظ کاربری استان تأیید شود نه در استانداری مازندران یا سازمان پسماند. دقت کنیم رئیس اداره جهاد کشاورزی مازندران و رئیس امور مازندران و رئیس محیط زیست و راه و شهرسازی هم اعضای این کمیته‌اند که بای مصوبه مورد بحث را امضا کرده‌اند. اما تعدادی از امضانگذاگران در مقامات قضایی تغییر کاربری اراضی ندارند، به‌خصوص که استاندار، مدیرکل حفاظت محیط زیست مازندران و مدیرکل جهاد کشاورزی برای بررسی اراضی مازندران ندارند. همین امر قانونی بودن صورت جلسه شورای پسماند را سازمان مدیریت پسماند را زیر سؤال می‌برد. افزون بر این باید بدانیم که کاربری اراضی شالیزار و کشاورز در استان‌های شمال ایران براساس مصوبه دولت ممنوع است و هر نوع تغییر و تحول در این موضوع نیازمند بررسی کمیسیون تبصره یک ماده یک قانون حفظ کاربری اراضی است. پیگیری کاربری شالیزار و کشاورزی در حاشیه چهار روستای مازندران توسط مازندران و مقامات قضایی این استان محل قانونی ندارد و اساساً ماهیت جلسه تنظیم‌شده را زیر سؤال می‌برد.

متن دقیق مصوبه؛ زمین درازای پسماند

در صورت جلسه تنظیم‌شده در سازمان مدیریت پسماند مازندران در تابستان امسال که به تأیید استاندار و مقامات قضائی استان رسیده، اشاره شده است: «با توجه به اینکه شرکت آبادگستر مهرگان علاوه بر پرداخت تمامی عوارض قانونی مرتب به راضی مربوط و سهم هرگاه خدمات مجاور به زیرساخت‌ها متعهد شد، پروژه‌های پسماند استان را در قالب تقاضاهای معابر و به صورت رایگان تحویل شهرداری‌های پسماند مربوط کند، مقرر شد کمیته تصویب طرح هادی روستایی استان با موضوع بازنگری طرح هادی روستایی کاسگرمحله، کردمحه و خرم‌آباد شهرستان نور و روستای دیسر شهرستان رامسر را اجرائی کند». این صورت جلسه در تاریخ ۱۵ شهریور ۱۴۰۴ راهی یونسف استاندارد مازندران، عباس پورانی رئیس کل دادگستری استان، علی‌اکبر عالی‌شاه داستان عمومی و انقلاب مرکز استان مازندران، عبدالرضا دادبود معاون هماهنگی امور عمرانی استان مازندران، مسلم قبادیان فرماندار شهرستان رامسر، توح آتش‌فراز سرپرست فرمانداری شهرستان نور، میثم نوری سرپرست اداره کل دفتر فنی امور عمرانی و حمل و ترافیک، حسن اصغریان مدیر کل دفتر امور روستایی و شوراهای علی‌اصغر احمدی مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان مازندران، علی دیوساز مدیرکل راه و شهرسازی استان مازندران، بابک مومنی مدیرکل جهاد کشاورزی مازندران، محمدرضا کتغانی مدیرکل حفاظت محیط زیست استان مازندران، امید مقیمی مدیرعامل سازمان پسماند و علی حیات مدیر امور راضی استان مازندران امضا کرده‌اند.

معامله با شرکتی با سابقه قضائی

شرکت آبادکنسز مهرگان را محسن راودمند مدیریت می‌کند که در سال ۱۳۹۰ به اتهام تحصیل مال از طریق نامشروع به تحمل ۱۱ ماه حبس تعزیری و ۳۲ میلیارد ۲۰۰ میلیون و ۴۰۰ هزار و ۹۰۰ تومان جرم مالی و میلیون و ۱۹۱ و ۱۱۰ یورو و ۲۰۰ مبلغ جرم مبارزات و ۲۵ و میلیون و ۳۴ هزار و ۹۰۰ ریال در حق بانک سپه و همچنین مبلغ ۴۷ میلیون و ۸۸۷ هزار و ۵۳۴ دلار در حق بانک ملی ایران محکوم شد. استاسان مازندران پرونده‌ای قضایی به منظور رسیدگی به تخلفات تشکیل شده و سوال مهم این است که مقامات ارشد مازندران چرا باید با چنین شرکتی همکاری داشته و معامله کنند؟

گزارش

قصہ تکراری قطعی برق و تاخیر در اورہال واگن ہا

۴۴
ادامه از
صفحه
۶

رئیس کمیسیون نظارت و حقوقی شورای شهر تهران با انتقاد از وضعیت فعلی مترو و مدیریت شهری گفت: چالش‌های امروز مترو نتیجه بی‌توجهی به همه‌شهره‌ای کارشناسی و انتخاب مدیران غیرمرتبط است. مهدی اقراریان در توضیح مشکلات مترو تهران اظهار کرد: متأسفانه وقتی پیش‌بینی درستی از وضعیت آینده نداریم و چالش‌های بی‌شوری مترو را نمی‌بینیم، نتیجه همین شرایطی است که امروز شاهد آن هستیم. از ابتدای دوره بارها بنده و برخی دیگر از بکارگران در شورا درباره وضعیت مترو تذکر دادیم، اما به نظر می‌رسد اولویت‌های آقای دکتر زاکانی با اولویت‌های واقعی شهر و شهروندان تفاوت دارد. او افزود: حسن این اولویت‌ها بیشتر از نوع رویکردهای سیاسی برای بقا در عرصه سیاست است تا حل مشکلات شهری. همین مسئله یکی از چالش‌های اساسی دوره فعلی مدیریت شهری محسوب می‌شود. محمد اخوندی، رئیس کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر تهران هم با اشاره به اختلال اخیر در خطوط مترو با بیان اینکه بروز اشکالات فنی در سیستم مترو امری طبیعی است، گفت: در تماس با مدیرعامل بهره‌بردار مترو مشخص شد در خطوط ۴ و احتمالاً ۱۴ ایراد فنی گوناگونی وجود داشت، اما در خط ۵ مشکل از قطعی برق بود که رفع آن کمی زمان‌بر است. این حال، شمار ۴۶۵ روز سال بود مردم فاجعه است و گاهی در روز چنین اتفاقاتی احتیاج‌ناپذیر است. رئیس کمیسیون برنامه و بودجه گفت: در این دوره اعتبارات قابل توجهی برای توسعه و نوسازی مترو در نظر گرفته شده و بخش زیادی از مشکلات رفع شده است. البته باید اذعان کرد که شهرداری با مشکل نقدینگی مواجه است و پس از حوادث خرداد، کاهش درآمد به بسیاری از بخش‌های تأثیر گذارنده است. او با بخش دیگری از سخنانش گفت: به نظر می‌آید بی‌اضافی است اگر تلاش شبانه‌روزی کارکنان مترو نایده‌یافته گرفته شود. در همین زمینه اقراریان، اما اهربان و نیره‌وا فنی واقعا با جان و دل خدمت می‌کنند. مدیران باید با برنامه‌ریزی دقیق، مشکلات مالی و فنی را کنترل کنند تا زحمات این نیروها به چشم بیاید. مهدی عباسی، رئیس کمیسیون معماری و شهرسازی شورای شهر تهران نیز با انتقاد از بی‌ثباتی مدیریتی در شهرداری گفت: تغییر مکرر مدیران مترو و ضعف در تصمیم‌گیری‌های راهبردی ایجاد شده عملکرد مدیریت شهری را نتواند رضایت شایسته و شهروندان را جلب کند. او تأکید کرد که تهران امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند مدیریت دانا، با برنامه و فراق است. ملاحظات سیاسی است. او یادآور شد: شهرداری یکی از مهم‌ترین دستگاه‌های حکمرانی در هر کشوری است. زیرا عملکرد آن رابطه مستقیمی با کیفیت زندگی مردم دارد. هرچه مدیریت شهری قوی‌تر باشد، آثار آن بلافاصله در زندگی روزمره شهروندان دیده می‌شود. نوبت‌هایی مانند حمل‌ونقل عمومی، خدمات شهری، کیفیت مسکن، زیرساخت‌ها، حوزه‌های شهری و حتی آرامش اجتماعی و محیط زیست از شاخص‌های اصلی این عملکرد هستند.